

تجلی آیات و روایات در شخصیت الگویی شهید مطهری^۱

محمد فاکرمییدی^۲

زینب طیبی^۳

فاطمه فاکر^۴

چکیده

روش تربیت الگویی، یکی از روش‌های فراگیر و مؤثر در تربیت انسان است. این روش در سرتاسر زندگی و ابعاد مختلف حیات انسان کاربرد دارد و از آنجا که محتوای تربیت را به صورت عینی و عملی ارائه می‌دهد، در انتقال مفاهیم و آموزش برنامه‌های تربیتی، مؤثر است. در این روش، یکی از مسایل مهم در هر جامعه، شخصیت‌هایی هستند که می‌توانند به عنوان الگویی مناسب، سرمشق دیگران باشند. مسأله‌ای که قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام از آن سخن گفته‌اند و بر بهره‌گیری از الگو و پیروی از اسوه‌های حسنه تأکید کرده‌اند. از شخصیت‌های معاصر که می‌توانند الگویی موفق برای نسل حاضر حوزوی و دانشگاهی باشند؛ استاد شهید مرتضی مطهری است. شخصیتی که افزون بر دانش فراوان، مسلح به سلاح ایمان، زینبده به فضایل اخلاقی و مجهز به برهان و منطق بود و در کنار روشنفکری، پایبند به آموزه‌های قرآن و عترت و در عین بلندمرتبتگی علمی، در نهایت خضوع و فروتنی در برابر دیگران و نمونه تمام عیار یک انسان مطلوب و منطبق با آموزه‌های قرآنی و روایی بود. در این مقاله تلاش شده است با بهره‌گیری از آیات و روایات و منابع مکتوب کتابخانه‌ای و ابزار فیش برداری، شخصیت الگویی شهید مطهری از زوایای مختلف سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و علمی بررسی شود.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، روایت، شهید مطهری، الگو، انقلاب اسلامی.

۱. تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۶

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی علیه‌السلام العالمیه، m_faker@miu.ac.ir

۳. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، tazayyebi62@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان قم پردیس حضرت معصومه علیها‌السلام، (نویسنده مسئول) fatemehfaker@gmail.com

مقدمه

در تاریخ بشریت بزرگانی در آسمان علم و عمل درخشیده‌اند که همچون مشعل فروزانی راه زندگی انسان‌های دیگر را روشن کرده و تلاش کرده‌اند تا مروج افکاری نوین برای انسان‌های جستجوگر و پویندگان حقیقت باشند. در رأس این هرم انسانی، انبیای بزرگ الهی و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام قرار دارند. پس از آنان عالمان و دانشمندان اسلامی که به حق وارثان این رسالت بزرگ هستند، جای دارند که پرچم این حرکت بزرگ را بر دوش گرفته‌اند.

یکی از این ستارگان پرفروغ طریق حقیقت، استاد شهید مرتضی مطهری است که امام خمینی رحمته‌الله، وی را درختی پرثمر نامید و فرزند عزیزش خواند (۵۸/۲/۱۲). این شهید بزرگوار با توأم کردن عمل با ایمان، اخلاق با عرفان، برهان با قرآن و علم با حکمت، جامعه جاهلی و ظلمت زده‌ی عصر خود را با انوار تابناکش، روشن کرد و در آخر با شهادت مظلومانه خویش، مانند ستاره‌ای در آسمان اسلام درخشید. در بخشی از پیام امام راحل در شهادت این شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالی مقام آمده است:

«من فرزند بسیار عزیزی را از دست داده‌ام و در سوگ او نشستم که از شخصیت‌هایی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد. در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست. تبریک از داشتن این شخصیت‌هایی فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند. من در تربیت چنین فرزندان‌ی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند، به اسلام بزرگ، مرتبی انسان‌ها و به امت اسلامی تبریک می‌گویم. من اگر چه فرزند عزیزی که پاره تنم بود از دست دادم، لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد» (۵۸/۲/۱۲).

از آنجا که جامعه کنونی ما و بویژه جوانان نیازمند شناخت الگویی مناسبند؛ چراکه در دوره جوانی که مهمترین دوره تکوین شخصیت افراد است، رشد کمالات انسانی از سرعت فزاینده تری برخوردار است و در این دوره، فرد در آستانه ورود به جامعه است و همواره تلاش می‌کند که شخصیت خود را به گونه‌ای پی ریزی کند که سریع‌تر و بیش‌تر از دیگران مورد

توجه هممنوعان و حتی سایر اقشار جامعه قرار گیرد و بیش از سایر افراد به فضایل و صفاتی که مورد توجه است، آراسته باشد. جوانان معمولاً برای نیل به این هدف به دنبال ابزارها و شیوه‌های مؤثری می‌گردند که یکی از مهم‌ترین اموری که در این راستا برای جوانان مفید واقع می‌شود، وجود یک سرمشق و الگوست که مراحل از کمالات را با موفقیت پیموده باشد و از مقبولیت در نزد مردم نیز برخوردار باشد. از این رو ضرورت دارد که نیم‌نگاهی به شخصیت این استاد شهید بر اساس آیات و روایات داشته باشیم تا اقشار مختلف جامعه به خصوص قشر فرهیخته فرهنگی، از جمله آموزگاران، معلمان و استادان حوزه و دانشگاه و نیز دانش‌آموزان و دانشجویان از روشنای چراغ نورافزای این استاد بزرگ بهره‌مند شوند.

با توجه به این‌که نوشتار پیش‌رو انطباق ابعاد شخصیت شهید مطهری با آموزه‌های قرآنی و روایی است، لازم است ابتدا سخنان استادان، بزرگان انقلاب، آشنایان و همسنگران آن شهید سعید یادآوری شود، پس از آن سنجش تطبیقی با آیات قرآن کریم و روایات صورت گیرد و در نهایت به نکات تحلیلی و تکمیلی اشارت شود. از این رو، این تحقیق در دو بخش کلیات و داده‌ها تنظیم و پیکره‌ی اصلی این تحقیق در هفت عنوان ارائه شده است.

در خصوص موضوع مورد پژوهش کتاب و یا مقاله‌ای با این عنوان به چشم نمی‌خورد، هر چند به صورت عام آثاری به رشته تحریر در آمده است، از جمله: کتاب سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری که به وسیله جمعی از فضلا در سال ۱۳۶۷ نوشته شده و توسط مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، منتشر شده است. کتاب زندگی‌نامه شهید مطهری که به وسیله نادعلی عاشوری در سال ۱۳۹۰ نگاشته شده است و انتشارات امام عصر علیه السلام منتشر نموده است. کتاب مسطراثر ناصر دوگانه با همکاری مهدی علمی دانشور، کاظم میرزایی، مهدی یزدی و محمد صالح کریمی در سال ۱۳۹۱ تدوین و به وسیله معاونت تربیتی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه منتشر شده است. کتاب سیری در زندگانی استاد مطهری با مقدمه علی اکبر هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۹۲ تهیه و توسط انتشارات صدرا منتشر شده و به چاپ‌های متعدد رسیده است. از دیگر آثار نگاشته شده در این زمینه، مقاله «آیه مطهر در آینه مطهر» اثر دکتر محمد فاکرمبیدی و با محتوای شخصیت شهید مطهری از دیدگاه امام خمینی علیه السلام نگاشته شده و در ۱۳۸۴ در مجله حضور منتشر شده است.

نظر به این که این نوشتار به معرفی استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری به عنوان الگویی جامع بر اساس آموزه های قرآن و روایات پرداخته است، محتوای آن می تواند برای همه اقشار مختلف جامعه به ویژه فرهنگیان عزیز، دانشگاهیان گرامی و حوزویان مکرم در فراگرفتن علم، ادب و آداب اسلامی سودمند باشد. هرچند بررسی ابعاد شخصیت استاد شهید مطهری مجال بیشتری می طلبد، لیکن در این جا به قدر توان و ظرفیت مقاله به برخی از نکات آموزنده از زندگی و سیره علمی و عملی این استاد شهید بر اساس قرآن و روایات اشاره شده است.

۱. مفهوم شناسی الگو

کلمه الگو، مترادف نمونه و سرمشق است (معین، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۹۶۹). در انگلیسی هم معنای واژه مدل (model) است و در عربی معادل أسوه و قدوه است؛ یعنی کسی که دیگران به وی اقتدا و از کارهای وی پیروی می کنند (ابن منظور، بی تا، ذیل واژه ی قدو). قرآن کریم نیز در آیات مختلف این واژه را به کار برده و درباره پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا ﷺ سرمشقی نیکوست و درباره حضرت ابراهیم علیهِ السلام نیز فرموده است: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه: ۲۴)؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند، سرمشقی نیکوست. در تعریف اصطلاحی الگو و مدل نیز گفته شده که نمونه بسیار مناسب از نوع خود به منظور الگوبرداری دیگران است. (Cambridge: 2010/model). به طور کلی، الگو در اصطلاح و در علوم گوناگون به معانی متفاوت و البته نزدیک به هم آمده است. در حوزه تعلیم و تربیت، معنای اصطلاحی الگو کاملاً با معنای لغوی آن تطابق دارد و به طرح و نمونه یا مدلی از شکل یا اشیا یا موردی از رفتار اطلاق می شود (حسینی نسب، ۱۳۷۵، ص ۶۳۲). در مورد انسان نیز، الگو به شخصیتی گفته می شود که به دلیل دارا بودن برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است. در روان شناسی اجتماعی، مدل به کسی گفته می شود که کودکان رفتارشان را تقلید کنند (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۶۴۰). در علوم اجتماعی نیز، الگوها آن شیوه هایی از زندگی هستند که از فرهنگ نشأت می گیرند و افراد به هنگام عمل به طور طبیعی با این الگوها سر و کار دارند و اعمال آن ها با این الگوها تطابق می یابد (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۲۶۰). همانگونه

که مشاهده می شود، معنای اصطلاحی الگو در این سه علم بسیار به هم نزدیک است. به هر حال، آسوه در منابع اسلامی دست کم به معنای مقتدا، پیروی کرده و اقتدا نمودن و سنت و روش است. معادل فارسی آن، الگو و سرمشق است که البته از وسعت معنایی بیشتری برخوردار است؛ زیرا «آسوه» و «قدوه» بیشتر ناظر به الگوهای انسانی است و بیشتر در مورد تربیت و تقویت ابعاد اخلاقی، رفتاری و شناختی انسان به کار می رود. در حالی که واژه «الگو»، علاوه بر این ها، به معنی طرح، مدل، نمونه و غیره نیز آمده است که عمدتاً در مسائل آموزشی و یادگیری کاربرد دارد.

مفهوم الگو و مدل در این تحقیق، عملکرد علمی و عملی شهید مطهری در زمینه تحصیل، تعلیم و تربیت، مسئولیت پذیری و مبارزه علیه ظلم است که الگو و نمونه‌ای مناسب برای کسانی است که بخواهند با پیروی از ایشان که یک شخصیت جامع و کامل بودند به موفقیت برسند.

۲. شناخت‌نامه الگو

برای اقتدا و پیروی از الگوی کاملی چون شهید مطهری که شخصیتی جامع در تمام ابعاد زندگی بود، شناخت‌نامه الگو بایسته است. استاد شهید مرتضی مطهری در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ ش، مطابق با ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۳۸ ق. در یک خانواده روحانی، در روستای فریمان پا به عرصه وجود نهاد. پدر وی حاج شیخ محمد حسین از شخصیت‌های روحانی و مورد توجه این قریه بود. وی از شاگردان آخوند خراسانی بود که در ۱۳۱۳ هـ. ق. از نجف به مشهد بازگشت. تقوا و فضایل اخلاقی این مرد روحانی زبان زد عام و خاص بود. آیت الله نجفی مرعشی ایشان را شخصیتی بی نظیر می دانست (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۶۹). با وجود آن که وی از فقر بسیار برخوردار بود، هرگز از وجوهات شرعی استفاده نمی کرد و از راه حق الزحمه‌ای که بابت نوشتن سند برای مردم دریافت می کرد و اداره یک دفتر ازدواج و طلاق، زندگی خود را تأمین می کرد. وی دارای دو دختر و پنج پسر، به نام‌های محمد علی، مرتضی، محمد باقر، محمد تقی و حسن بود. ایشان ذوق شعری داشت و دفتری شامل هزار بیت شعر از وی بر جای مانده است. وی در سال ۱۳۵۰ هـ ق در سن ۱۰۱ سالگی دارفانی را وداع گفت. شهید مطهری

در مورد فضایل اخلاقی و معنوی پدر خود می‌گوید:

« از وقتی که یادم می‌آید، حداقل از چهل سال پیش من می‌دیدم این مرد بزرگ و شریف هیچ وقت نمی‌گذاشت و نمی‌گذارد که وقت خوابش از سه ساعت از شب گذشته تأخیر بیفتد. شام را سر شب می‌خورد و سه ساعت از شب گذشته می‌خوابد و حداقل دو ساعت به طلوع صبح مانده بیدار می‌شود و حداقل قرآنی که تلاوت می‌کند یک جزء است و با چه فراغت و آرامشی نماز شب می‌خواند. حالا تقریباً صدسال از عمرش می‌گذرد و هیچ وقت من نمی‌بینم که یک خواب ناآرام داشته باشد و همان لذت معنوی است که این چنین نگهش داشته است. یک شب نیست که پدر و مادرش را دعا نکند» (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۹۵).

بی‌شک استاد مطهری یکی از روحانیون برجسته در عرصه‌های مختلف علمی به خصوص حوزه الهیات است که توانسته است تأثیر به‌سزایی در تصحیح افکار جامعه فرهنگی و نسل جوان داشته باشد. این توانایی، ثمره تحصیل و فراگیری عمیق و دقیق خویش و بهره‌گیری از خرمن دانش اساتید مؤثری است که در شکل‌دهی بُعد تربیتی و علمی شخصیت این استاد بزرگ، تأثیرگذار بودند. بر اساس گزارشات تاریخی شهید مطهری تحصیلات خود را از مکتب‌خانه شروع کرد. سپس وارد حوزه علمیه مشهد شد. ایشان در مقدمه کتاب *علل گرایش به مادگیری در این باره می‌نویسد:*

«تا آن جا که من از تحولات روحی خودم به یاد دارم از سن سیزده سالگی این دغدغه در من پیدا شد و حساسیت عجیبی نسبت به مسائل مربوط به خدا پیدا کرده بودم. به یاد دارم که از همان آغاز طلبگی که در مشهد مقدمات عربی می‌خواندم، فیلسوفان و عارفان و متکلمان. هر چند با اندیشه‌هاشان آشنا نبودم. از سایر علما و دانشمندان و از مخترعان و مکتشفان در نظرم عمیق‌تر و فخیم‌تر می‌نمود، تنها به این دلیل که آن‌ها را قهرمانان صحنه این اندیشه‌ها می‌دانستم» (مطهری، بی‌تا، صص ۹-۱۱).

شهید مطهری، پس از حدود چهار سال اقامت در مشهد و بهره‌گیری از دروس مقدماتی حوزه

علمیه مشهد که از تدریس علمای طراز اول برخوردار بود و در آن زمان بر سایر حوزه های علمی شهرستان های ایران برتری داشت در سال ۱۳۱۵ شمسی تصمیم به هجرت به قم و استفاده از حوزه نوبنیاد آن سامان که به دست فقیه بزرگوار و عالم ربانی مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تأسیس شده بود، گرفت (مطهری، بی تا، ج ۱، ص ۴۴۱).

استاد مطهری در سیر تحصیل خود از اساتید بزرگی بهره برده است از جمله: امام خمینی رحمته الله علیه در درس های اخلاق، عرفان و فلسفه، آیت الله العظمی بروجردی در فقه و اصول، آیت الله علامه طباطبایی در فلسفه و تفسیر قرآن کریم، آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی در مباحث معنوی، آیت الله العظمی مرعشی در برخی از دروس سطح، آیت الله میرزا مهدی آشتیانی در فلسفه، آیت الله حجت تبریزی در اصول، آیت الله رحیم ارباب در تفسیر قرآن کریم و اصول فقه، آیت الله محقق داماد در فقه و اصول و آیت الله شهید صدوقی در ادبیات بلاغی (ر.ک. عاشوری، ۱۳۹۰، ص ۳۲-۴۹). افزون بر اساتید یادشده، اساتید نام آور دیگری نیز بوده اند که مجال ذکر نام آن ها نیست. واضح است که با تربیت شدن در بوستان چنین باغبانانی، شخصیتی همچون مرتضی مطهری به ثمر بنشیند.

حاصل سال های تحصیل از محضر این استادان، ارائه بیش از هفتاد عنوان کتاب عمیق علمی در زمینه های مختلف بود که جامعه اسلامی تا امروز از وجود آن ها بهره مند است. این جا است که باید گفت شهید مطهری با آن که خود مصداقی از شهدای راه حق و فضیلت است، همچنین مصداق علمایی است که با قلم خود مقام برتری از شهدا به دست آوردند، چنان که امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند:

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوَضَعَتِ الْمَوَازِينُ، فَتَوَزَنُ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ، فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ»
(ابن بابویه، ۱۴۱۳ق. ج ۴، ص ۳۹۹)؛

خداوند در روز قیامت مردم را در یک جا جمع و ترازوی اعمال بر قرار می کند، بعد خون شهدا را با جوهر قلم علما با یکدیگر می سنجد که جوهر قلم علما را سنگین تر و برتر از خون شهدا نشان می دهد.

از دهه پنجاه به بعد، شهید مطهری درگیر مبارزه با جریان های فکری منحرف بود. برخی

گروه‌ها مانند مجاهدین خلق با اندیشه‌های وی مخالف بودند و گروه جدیدی به نام «فرقان»، شخصیت‌هایی مانند استاد مطهری را خطر بزرگ در جهت ترویج اندیشه‌های خود می‌دانستند به‌ویژه آن‌که در مقدمه چاپ هشتم کتاب «علل گرایش به مادیگری» مطلبی با عنوان «ماتریالیسم در ایران» نگاشته بودند و در آن عقاید گروه فرقان و تفسیرهای انحرافی آنان از قرآن را مورد نقد و تحلیل قرار داده بودند. سرانجام این گروه کمر به قتل استاد مطهری می‌بندد و ایشان را در روز سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ ساعت ده و بیست دقیقه شب به شهادت می‌رسانند. در محل شهادت اعلامیه گروه فرقان پخش شده بود که در آن نوشته بود: «خیانت شخصی مرتضی مطهری در به انحراف کشاندن انقلاب توده‌های خلق بر همه روشن بود، لذا اعدام انقلابی نامبرده انجام پذیرفت». این شهید والا مقام، چند شب قبل از شهادت، خوابی می‌بینند که آن را برای همسر خود چنین نقل نموده است:

«الآن خواب دیدم که من و آقای خمینی در خانه کعبه مشغول طواف بودیم که ناگهان متوجه شدم حضرت رسول ﷺ به سرعت به من نزدیک می‌شوند. همین‌طور که حضرت نزدیک می‌شدند، برای این‌که به آقای خمینی بی‌احترامی نکرده باشم، خودم را کنار کشیدم و به آقای خمینی اشاره کردم و گفتم: یا رسول الله! آقا از اولاد شمایند. حضرت رسول ﷺ به آقای خمینی نزدیک شدند. یا ایشان روبوسی کردند و بعد به من نزدیک شدند و با من روبوسی کردند. بعد لب‌هایشان را بر روی لب‌های من گذاشتند و دیگر برنداشتند و من از شدت شعف از خواب پریدم، به‌طوری که داغی لب‌های حضرت رسول را روی لب‌هایم هنوز حس می‌کنم.» (مطهری، ۱۳۸۸، صص ۱۰۵-۱۰۶).

۳. مطهری الگوی موفقیت همه جانبه

هر قدر الگوها از کمال بیشتری برخوردار باشند، دایره تأثیر آن‌ها در الگوپذیر بیشتر است. افزون بر کمال، جامعیت الگوها نیز سهم وافری در این تأثیرگذاری دارد، یعنی اگر الگوها هم در ابعاد مختلف صلاحیت داشته باشند و هم در هر جهت از ویژگی‌های لازم برخوردار باشند، از جاذبیت و تأثیر بیشتری در متریبان برخوردار خواهند بود. اگر چنین الگوهایی یافت شود،

جا دارد که متربی و الگوپذیر، بدون چون و چرا به تبعیت و پیروی از آن‌ها همت گمارد. امام علی علیه السلام مؤمنان را به همین گونه پیروی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش نموده‌اند:

« انظروا اهل بیت نبیکم فالزموهم سمتهم، واتبعوا أثرهم، فلن یخرجوکم من هدی ولن یعیدوکم فی ردی فان لبَدوا، فالبدوا، و إن تمضوا، فامضوا و لا تسبقوهم فتضلوا، و لا تأخروا عنهم فتهلکوا (نهج البلاغه، خطبه ۹۷)؛

به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتتان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنان پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان پس نمانید که تباہ می‌گردید.»

استاد شهید مرتضی مطهری نیز از جمله پیروان راستین طریق ولایت و معرفت است که به دلیل جامعیت علمی و عملی، می‌توان وی را نمونه و الگویی کامل برای نسل حاضر و آینده معرفی کرد. گواه این ادعا بیان امام خمینی رحمته الله علیه و سایر علما درباره شخصیت این شهید وارسته است که با تعابیر بسیار بلند، به معرفی شخصیت همه جانبه وی پرداخته‌اند و در ذیل اشاره خواهد شد.

۳-۱. الگوی تربیت در حوزه و دانشگاه

امام‌راحل در توصیف شهید مطهری خطاب به کارکنان و طلاب مدرسه عالی شهید مطهری می‌فرماید:

« شما خواهرها و برادرها که در این مدرسه (مدرسه عالی شهید مطهری) هستید، برنامه‌تان را آن طور تنظیم کنید که از بین شما مطهری‌ها یا یک مطهری پیدا شود. باید دانشگاه و فیضیه و همه آن‌ها که مربوط به دانشگاه هستند و همه آن‌ها که مربوط به فیضیه هستند در رأس برنامه‌های تحصیلی شان برنامه اخلاقی و برنامه‌های تهذیبی باشد تا فرآورده‌های آن امثال مرحوم مطهری رحمته الله علیه را به جامعه تسلیم کنیم» (موسوی خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۶۸، ج ۱۴، ص ۱۶۹).

معرفی شهید مطهری به عنوان الگو از سوی حضرت امام رحمته الله علیه، برگرفته از روش الگویی در

تربیت اسلامی است که در آموزه های قرآن نیز به روشنی آمده است و باریتعالی پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان الگو معرفی کرده و فرموده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (سوره احزاب: ۲۱)؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند. مقام معظم رهبری نیز با اعتقاد به این که شهید مطهری شخصیتی کامل بود، می فرماید: «ایشان مرد جامع الاطرافی بود، هم سیاسی بود و هم ایدئولوگ و به نظر من قوی ترین ایدئولوگ ما بود، هم عارف بود و هم اهل تهجد و اهل ذکر و یاد گریه و دعا». (جمعی از فضلا و یاران، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۸۹).

۲-۳. خدمتگذاری بی بدیل

سیری در زندگانی شهید مطهری عمق خدمات این شهید والامقام را روشن می نماید. امام خمینی رحمته الله علیه در بیانی وی را متفکر، فیلسوف و فقیه عالی مقام معرفی کرده، می فرماید: «من باید یک کلمه از آن به شما عرض کنم که مرحوم آقای مطهری، یک فرد بود که جنبه های مختلف در او جمع شده بود و خدمتی که به نسل جوان و دیگران مرحوم مطهری کرده است کم کسی کرده است (موسوی خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۴۲). ایشان در جایی دیگر فرمودند: «این جانب به اسلام و اولیای عظیم الشأن آن و به بیت اسلام و خصوصاً ملت مبارز ایران ضایعه تاسف انگیز شهید بزرگوار متفکر و فیلسوف و فقیه عالی مقام، مرحوم آقای حاج شیخ مرتضی مطهری را تسلیت و تبریک عرض می کنم» (موسوی خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۱۷۸).

تسلیت امام در شهادت استاد مطهری به این دلیل است که وی جامع علوم عقلی و نقلی است که فقدانش جبران ناپذیر است؛ چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ الْفَقِيهُ ثَلِمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلْمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۸)؛ هرگاه عالم فقیهی از دنیا برود، رخنه ای در اسلام پیدا می شود که هیچ چیز نمی تواند آن را پر کند. شهید مطهری به حق دانشمندی متفکر بود که فقدانش هرگز جبران نخواهد شد.

۳-۳. شجره‌ای طیبه

از جمله ابعاد الگویی شهید مطهری این است که ایشان همانند درختی برومند و شجره طیبه‌ای است که ثمره‌اش مفید و ارزشمند است. این توصیفی است که امام خمینی رحمته الله علیه درباره شهید مطهری فرمودند:

«امید آن بود که از این درخت پر ثمر، میوه‌های علم و ایمان بیش از آن چه به جا مانده چیده شود و دانشمندانی پر بها تسلیم جامعه گردد، مع الأسف دست جنایتکاران مهلت نداد و جوانان عزیز ما را از ثمره طیبه این درخت برومند محروم نمود و خدا را شکر که آن چه از این استاد شهید باقی مانده است با محتوای غنی خود مربی و معلم است» (موسوی خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۲۵).

یعنی شهید مطهری مصداقی از کلمه طیبه است که قرآن کریم فرمود: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (ابراهیم: ۲۴)؛ آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه طیبه [و گفتار پاکیزه] را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] ثابت و شاخه آن در آسمان است». تشبیه ایشان به شجره طیبه بدین معناست که باید از ثمرات پرفیض و حیات بخش این درخت برومند استفاده کرد. به عبارت دیگر، وی وجود ذی جودی است که باید در فقدانش گریست و تأسف خورد (فاکرمبیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱).

۳-۴. جودی پایدار

بنابر آموزه‌های اسلامی، شهید مطهری را می‌توان عالمی مخلص معرفی کرد که آثار علمیشان به عنوان پدیده‌ای فرازمانی در بستر تاریخ مابعد خود معرفی می‌شود. ایشان یکی از مصادیق حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمودند: «الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَلُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷۰)؛ دانشمندان همیشه زمان زنده هستند، بدن هایشان دفن می‌شود اما یاد و آثارشان در دل‌ها باقی است. امام خمینی رحمته الله علیه در خصوص جاودان بودن شهید مطهری می‌فرماید:

«من فرزند بسیار عزیزی را از دست داده‌ام و در سوگ او نشستم که از شخصیت‌هایی

بود که حاصل عمرم محسوب می‌شود، در اسلام عزیز با شهادت این فرزند برومند و عالم جاودانه، ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست» (موسوی خمینی رحمته‌الله، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۱۷۸).

همچنین فرمودند:

«من اگرچه فرزند عزیزی را که پاره‌ی تنم بود از دست دادم، لیکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد، مطهری که بر طهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود رفت و به ملاء اعلی پیوست، لیکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی‌اش نمی‌رود» (موسوی خمینی رحمته‌الله، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۱۷۸).

این که امام خمینی رحمته‌الله فرمود شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی‌اش از بین نمی‌رود به این دلیل است که نگاه امام به شهید مطهری این‌گونه است:

«سالروز شهادت شهیدی مطهر است که در عمر کوتاه خود اثرات جاویدی به یادگار گذاشت که پرتوی از وجدان بیدار و روح سرشار از عشق به مکتب بود، او با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقائق فلسفی با زبان مردم و بی‌قلق و اضطراب به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت، آثار قلم و زبان او بی استثنا آموزنده و روان بخش است و مواعظ و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیده نشأت می‌گرفت برای عارف و عامی سودمند و فرحزاد است» (موسوی خمینی رحمته‌الله، ۱۳۶۸، ج ۱۴، ص ۳۲۵).

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند:

«آثاری که از او هست بی استثنا همه آثارش خوب است و من کس دیگری را سراغ ندارم که بتوانم بگویم بی استثنا آثارش خوب است، ایشان بی استثنا آثارش خوب است، انسان ساز است، برای کشور خدمت کرده، در آن حال خفقان، خدمت‌های بزرگ کرده است» (موسوی خمینی رحمته‌الله، ۱۳۶۸، ج ۱۶، ص ۲۲۵).

این سخن گویای آن است که آثار شهید مطهری چون از قرآن کریم سرچشمه گرفته است، ارزشمند است؛ آن چنانکه قرآن کریم درباره‌ی خود می‌فرماید: «فِيهَا كُتِبَ قِيَمَةٌ (بینه: ۳)؛ در

آن نوشته‌های صحیح و پرارزشی است». این فقره اشاره به این است که در این صحف آسمانی نازل شده بر پیامبر ﷺ مطالبی نوشته شده که از هرگونه انحراف و اعوجاج و کجی مصون است.

۴. مطهری الگوی تحصیل و تهجد

استاد شهید مرتضی مطهری به عنوان الگویی همه جانبه، افزون بر نقش الگویی در مبارزات، پاسخگویی به شبهات، تألیف آثار عمیق و قوی در زمینه‌ی تعلم، تعبد و تهجد نیز سرآمد بود و این امر درس بزرگی برای پیروان مکتب علم و شهادت است. اینک مناسب است به جلوه‌های دیگری از ابعاد شخصیتی این عالم جاودانه در سایه آموزه‌های کتاب و سنت اشاره شود.

۴-۱. ممتاز در رشته فلسفه

در آموزه‌های اسلامی، علم آموزی از ارزش والایی برخوردار است (مجادله، ۱۱) و رستگاری انسان به آن وابسته است، ولی علم خود متکی به عقل است. علم محصول تعقل و اندیشه است. کسی که از قوه عاقله خود که هدیه الهی است بهره نمی‌برد و شناخت او همراه بصیرت و سنجش نیست، عالم نیست؛ زیرا علم یعنی شناخت آنچه هست آن گونه که هست. بنابراین چون انسان خیر و کمال بودن خیرات و کمالات حقیقی را فقط به کمک عقل در می‌یابد، کسی که تعقل نمی‌کند، فاقد علم است و آثار همه نیکی‌ها به وسیله عقل و برکات علم به او نمی‌رسد. از همین رو پیشوایان دین مردم را به درایت و اندیشیدن دعوت نموده‌اند. (حکیمی، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۵ و ۴۳) انسان به وسیله عقل کمال می‌یابد و عقل راهنمای او و بیناکننده او و کلید کار اوست. باریتعالی در سوره نحل آیه ۱۲ فرموده است:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾؛

و هم شب و روز و خورشید و ماه را برای زندگانی شما در گردون مسخر ساخت، و ستارگان آسمان هم به فرمان او مسخرند؛ همانا در این کار آیت‌ها

و نشانه‌هایی (از قدرت خدا) برای اهل خرد پدیدار است».

استاد مطهری از جمله ممتازین و متبحرین در تحصیل علوم معقول و رشته فلسفه بود که این برجستگی ایشان و امدار پایبندی ایشان به آموزه‌های دین و تفکر و تعقل در حقایق عالم است. آیت الله جوادی آملی که از هم درسان استاد است، در این باره می‌گوید:

«وقتی ایشان از قم به تهران آمدند در آن اولین دوره امتحانات مدرسی معقول و منقول شرکت کردند، گرچه ما در این راه قدمی برنداشتیم، مصلحت الهی هرچه بود خدا خواست که ایشان بتواند جامع بین حوزه و دانشگاه باشند، رابطی باشند که قدیم و جدید را وصل کنند، دانشگاه و فیضیه را به هم متصل کنند. وقتی ایشان از تهران به قم آمدند و در تصدیق مدرسی شرکت کردند در رشته معقول شاگرد اول شدند و در حجره آمدند و تعریف کردند. گفتند که در جلسه امتحان، ممتحنین چه مسأله فلسفی از من پرسیدند، دیگران چه جواب دادند و من چه جواب دادم. گفتند هیأت ممتحنه به اتفاق گفتند چه کنیم! نمره‌ای بالاتر از بیست، نیست و اگر نمره‌ای بالاتر از بیست بود به شما می‌دادیم. در رشته معقول و فلسفه شاگرد اول شدند و نمره بیست را گرفتند. با اعتراف هیأت ممتحنه که گفتند چه کنیم! نمره‌ای بالاتر از بیست نیست، اما این نمره برای شهیدمان کوچک بود، نمره‌ای را که باید او بگیرد، فوق آن است. نمره شهیدمان را خاطراتی که از او داریم نشان می‌دهد که باید خدای او به او نمره بدهد، هم درجات» (جمعی از فضلا، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۲۷).

۲-۴. تهجد و شب زنده‌داری

یکی از مهم‌ترین علایم مؤمنین حقیقی عبادت در شب و نماز و نیایش خداوند در این هنگام است. مقام معظم رهبری درباره‌ی تهجد و شب زنده‌داری شهید مطهری نقل می‌کند:

«ایشان وقتی مشهد می‌آمد خیلی از اوقات به منزل ما وارد می‌شد. هر شبی که ما با مرحوم مطهری بودیم، این مرد نیمه شب تهجد با آه و ناله داشت. یعنی نماز شب می‌خواند و گریه می‌کرد به طوری که صدای گریه و مناجات

او افراد را از خواب بیدار می‌کرد» (جمعی از فضلا، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۸۸).

فرزند استاد مطهری [علی] نیز درباره تقوی و تهجد پدرش می‌گوید:

«آن شهید سعید از اوائل دوران طلبگی مقید به نماز شب بوده است. در آن شبی که ایشان به شهادت رسیدند، پس از آن که ما از محل ترور و بیمارستان با هزار حسرت و اندوه به منزل بازگشتیم، ساعت دو نیمه شب بود که زنگ ساعت ایشان به صدا درآمد. معلوم شد که استاد برای اقامه نماز شب قبلاً ساعت را کوک کرده بودند، حالت عجیبی به ما دست داد که بیان آن به وصف نمی‌آید (جمعی از فضلا، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۵۰).

نماز شب که از آن به قیام لیل و تهجد و شب زنده داری نیز تعبیر می‌شود، در قرآن کریم و روایات از اهمیت بالایی برخوردار است، چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قِيَامُ اللَّيْلِ مَصْحَةُ الْبَدَنِ وَرِضَا الرَّبِّ وَتَمَسُّكَ بِأَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ وَتَعَرُّضٌ لِرَحْمَتِهِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ص ۱۲۱)؛ نماز شب، باعث سلامتی بدن، خوشنودی خداوند، تمسک به اخلاق انبیا و زمینه جلب رحمت الهی است. در روایت دیگری از ایشان نماز شب نشانه شرافت مؤمن برشمرده شده است: «شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُ اللَّيْلِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۴۸)؛ شرافت مؤمن، نماز شب است و شهید مطهری اگویی کامل در تهجد و پارسایی و عمل به آموزه‌های اصیل اسلام بودند.

۳-۴. تَضَرُّع

بنا به شهادت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، شهید مطهری دارای تضرع و گریه‌های شبانه بود. ایشان نقل می‌کنند: «یک شب ایشان منزل ما بودند، نصف شب از صدای گریه‌ی ایشان خانواده‌ی ما از خواب پریده بودند، البته اول ملتفت نشده بودند که صدای کیست؟ اما بعد فهمیدند که صدای آقای مطهری است» (جمعی از فضلا، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۸۸).

موضوع گریه از خوف و خشیت الهی در اسلام از جایگاه ویژه برخوردار است و دارای آثار دنیوی و اخروی زیادی است. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «مَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَدْخَلَهُ اللَّهُ فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۵۷۷)؛ هر کس از خوف الهی گریه کند،

خداوند وی را به بهشت وارد می‌کند. شهید مطهری مصداقی از کسانی است که از خوف خدا در دل شب گریه می‌کنند.

۵. مطهری الگوی روش و منش

اخلاق و روش استاد مطهری که نشأت گرفته از آموزه‌های قرآن کریم و عترت پیامبر ﷺ است می‌تواند برای همه کسانی که به دنبال اسلام ناب هستند، الگویی مناسب باشد. در ادامه به برخی از نمادهای رفتاری استاد، اشاره می‌شود:

۱-۵. انس با قرآن کریم

قرائت قرآن کریم یکی از نمادهای انس با آن است که بنا به شهادت مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، شهید مطهری انیس و مونس قرآن بود. ایشان در این باره می‌گوید: «ایشان [مطهری] اهل ذکر و تلاوت قرآن بود، هر شب قبل از خواب حتما قرآن می‌خوانده است و این از خصوصیات او بوده و تعهد کرده بود هر شب قبل از خواب قرآن بخواند و هر شب قبل از این که بخوابد گاه در رختخواب و گاهی هم قبل از ورود به رختخواب قرآن می‌خواند» (جمعی از فضلا، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۸۹). در اهمیت قرائت قرآن کریم همین بس که خود قرآن در یک آیه دوبار به این مهم اشاره کرده و می‌فرماید: «فَاقْرَأْهُ وَمَا تَنْسَرُ مِنَ الْقُرْآنِ ... فَاقْرَأْهُ وَمَا تَنْسَرُ مِنْهُ» (مزمّل: ۲۰)؛ هرچه برای شما امکان دارد قرآن بخوانید! پس به اندازه‌ای که برای شما ممکن است از آن تلاوت کنید. همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام بیان شده است: «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۱۲)؛ قرآن عهد و پیمان خدا است به سوی بندگانش، پس سزاوار است که فرد مسلمان به آن بنگرد، و هر روز پنجاه آیه از آن را بخواند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در شمارش ویژگی‌های متقین می‌فرماید: «أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْرَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلاً يُحَرِّثُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)؛ پرهیزکاران در شب برپا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جزء جزء و با تفکر اندیشه می‌خوانند، با قرآن جان خود را محزون و

داروی درد خود را می‌یابند. شهید مطهری در حقیقت به عنوان مصداقی از افراد متقی در شب به قرائت و تلاوت قرآن کریم و در روز به تدریس و عمل به آموزه‌های آن می‌پرداخت.

۵-۲. دفاع از قرآن کریم

باید توجه داشت که استاد مطهری تنها به تلاوت قرآن کریم و ذکر بسنده نمی‌کرد، بلکه تمام قد از قرآن دفاع می‌کرد، شهید محلاتی در این باره می‌گوید:

«وقتی گروه فرقان جزوه‌هایی در تفسیر قرآن مجید منتشر کرد، استاد مطهری در جلسه روحانیت مبارز فرمود: این‌ها خطرناکند، چون در قرآن تصرف می‌کنند، این غیر از تجاوز به مال یا تجاوز به علم است، این تجاوز به وحی است ... و در جای دیگر فرمود: من با این‌ها مقابله می‌کنم، ممکن است مرا بکشند، اما من حرف خودم را می‌زنم چون می‌دانم که این‌ها برای دین خطرناک هستند» (جمعی از فضلا، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۹).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

«سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَخْفَى مِنَ الْحَقِّ وَلَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ، ... وَ لَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ سَلْعٌ أَبْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَى حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَلَا أَنْفَقَ مِنْهُ إِذَا حُرِفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ، ... فَالْكِتَابُ وَ أَهْلُهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ فِي النَّاسِ وَ لَيْسَ فِيهِمْ وَ مَعَهُمْ ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶)؛

پس از من روزگاری فرا می‌رسد که چیزی گمنام‌تر از حق و آشکارتر از باطل نیست ... در چنین روزگاری، هرگاه قرآن حق تلاوتش ادا شود، موجودی بی‌ارزش‌تر از آن نخواهد بود و آن‌گاه که تحریف [معنوی] شود چیزی باارزش‌تر از آن یافت نمی‌شود ... در آن زمان قرآن و اهلس در میان مردمند، اما در اجتماع و با آن‌ها نیستند.

۵-۳. دائم الوضو

یکی از ارزش‌های اسلامی طهارت معنوی است که در قالب وضو نیز جلوه می‌کند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «الْوُضُوءُ عَلَى الْوُضُوءِ نُورٌ عَلَى نُورٍ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱).

ص ۳۷۷)؛ یعنی وضو [وضو نور است] بر وضو نور فوق نور است. از ویژگی های شهید مطهری این بود که همیشه وضو داشتند. همسر استاد نقل می کند:

«ایشان تقوای عجیبی داشت. در مدت بیست و شش سالگی که با ایشان زندگی می کردم، در تمام طول شبانه روز نیم ساعت بی وضو نبود. همیشه تأکید می کرد با وضو باشید. وضوی دائمی خوب است. ایشان همواره با وضو در کلاس دانشگاه حضور می یافت و حضورش آن چنان معنویتی به مجلس می بخشید که مستمع با تمام وجود، معنویت و قداست آن را درمی یافت. استاد در مدتی که در دانشگاه تدریس داشت به دانشجویان توصیه می کرد که دانشگاه به منزله مسجد است، سعی کنید بدون وضو وارد دانشگاه نشوید» (دوگانه، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵).

۴-۵. احترام به پدر و مادر

یکی از دستورات مهم اسلامی، نیکی به پدر و مادر است، اهمیت این مسأله تا جایی است که در قرآن کریم بارها به آن سفارش شده است: «يَا وَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسرا: ۲۳). امام صادق علیه السلام در تفسیر این فقره می فرماید: «الإِحْسَانُ أَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا، وَأَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجَانِ إِلَيْهِ وَإِنْ كَانَا مُسْتَغْنِيَيْنِ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۷)؛ [این] احسان به این معنی است که به نیکویی به آنان معاشرت کنی! و این که طوری برخورد نکنی که به سختی از تو درخواست کنند، هر چند خودشان می توانند نیاز خود را بر طرف کنند. مجتبی مطهری فرزند استاد شهید نقل می کند که ایشان نسبت به پدر بزرگوارش تواضع و احترام خاصی قائل بودند:

«به خاطر می آید هرگاه ما به فریمان سفر می کردیم، پدرم تأکید خاصی داشتند که ابتدا به منزل پدر و مادرشان بروند، پس از آن اقوامی که برای دیدن ایشان و خانواده به منزل می آمدند، می پذیرفتند. در موقع روبرو شدن با پدر و مادر، دست آنان را می بوسیدند و به ما نیز توصیه می کردند که دست ایشان را ببوسیم» (جمعی از فضلا و یاران، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۵۱).

وی می‌افزاید: «به خاطر می‌آید که گاهی از صحبت‌های پدر و مادرم دل‌تنگ می‌شدم، پدرم می‌فرمود: مجتبی، انسان هیچ‌گاه از سخن پدر و مادرش ناراحت و دلگیر نمی‌شود، والدین همیشه خیر و سعادت فرزند را می‌خواهند» (همان).

۵-۵. محبت به فرزند و همسر

از جمله سفارشات اسلام به پیروانش، مسؤلیت‌پذیری نسبت به همسر و فرزندان است که در آیات الهی نیز به این مسأله تأکید شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتش [عذاب] ننگه دارید. بر اساس این آیه، مسؤلیت تربیت صحیح فرزندان و ترسیم سرانجامی نیکو برای آنان از جمله تعلیم عبادات، علم، ادب، عدالت‌ورزی، مهرورزی و جلوگیری از انحراف از مسیر درست، اصالتاً بر عهده پدر با همکاری مادر است. در روایات نیز تأکید زیادی در زمینه محبت و مهربانی نسبت به فرزندان شده است. از جمله این که پیامبر ﷺ فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۵۴)؛ فرزندان‌تان را گرامی بدارید و تربیتی نیکو نمایند و در روایتی از امام رضا ﷺ نیز آمده است: «بَرُّوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يَنْظُرُونَ أَتَّكُم تَرْتَفُونَ» (علی بن موسی ﷺ، ۱۴۰۶ق، ص ۳۳۶)؛ به فرزندان‌تان نیکی کنید و به آنان احسان نمایید، چراکه به گمان این‌ها، این شما می‌دید که روزی آنان می‌دهید.

شهید مطهری نه تنها با علم و دانش بلکه با عمل خود در تأمین نیازهای روحی، مادی و معنوی خانواده خود کوشا بودند. همسر ایشان در این باره می‌گوید:

«مطهری بسیار مهربان و باگذشت بودند و به آسایش و راحتی من و بچه‌ها اهمیت می‌دادند. آن قدر با من صمیمی و نزدیک بودند که رنج و ناراحتی مرا نمی‌توانستند تحمل کنند. یادم هست یک بار برای دیدن دخترم به اصفهان رفته بودم، بعد از چند روز با یکی از دوستانم به تهران برگشتم. نزدیکی‌های سحر بود که به خانه رسیدم. وقتی وارد خانه شدم، دیدم همه بچه‌ها خواب هستند، ولی آقا بیدار است، چای حاضر کرده بود، میوه و شیرینی چیده بود و منتظر من بود. دوستم از دیدن این منظره بسیار تعجب

کرد و گفت: همه روحانیون این قدر خوب هستند؟ بعد از سلام و علیک، وقتی آقا دیدند بچه‌ها هنوز خوابند، با تأثر به من گفت: می‌ترسم یک وقت من نباشم و شما از سفر بیایید و کسی نباشد که به استقبالتان بیاید» (جمعی از فضلا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۰۸).

۵-۶. ارادت به اهل بیت علیهم‌السلام

محبت، ولایت و ارادت نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام از مهم‌ترین سفارشات دین مبین اسلام است. اهمیت این موضوع تا بدان جا است که به عنوان مزد رسالت قرار داده شده است و در قرآن کریم آمده است: «قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری: ۴۲)؛ بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم. در روایات نیز ولایت و مودت نشانه شیعه بودن فرد به شمار آمده است؛ چنان‌که امام باقر علیه‌السلام فرمود: «شِيعَتُنَا الْمُتَبَاذِلُونَ فِي وَلَايَتِنَا، الْمُتَحَابُّونَ فِي مَوَدَّتِنَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۳۶)؛ شیعه ما کسی است که در راه محبت ما اهل بیت به یکدیگر کمک کنند، و یکدیگر را در راه دوستی ما دوست بدارند. همچنین فرق محبت و مودت در این است که محبت ممکن است در نهان باشد، اما مودت باید ظهور و بروز داشته باشد، یعنی در اندیشه و عمل نمایان شود. از این رو محبت اهل بیت علیهم‌السلام کافی نیست، بلکه اظهار این محبت نیز لازم است. در محبت و ولایت شهید مطهری نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام همین بس که آیت الله مصباح یزدی می‌گوید: «از مرحوم شهید مطهری پرسیدند که شما فوق العاده از علامه طباطبایی تجلیل می‌کنید و تعبیر روحی فداه را در مورد ایشان دارید، این همه تحلیل به خاطر چیست؟ فرمود من فیلسوف و عارف بسیار دیده‌ام و احترام مخصوص من به ایشان نه به خاطر این است که یک فیلسوف است، بلکه احترامم به این جهت است که او عاشق دل باخته اهل بیت علیهم‌السلام است (خسروشاهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰). وقتی استاد مطهری این‌گونه ارادت به مرید اهل بیت علیهم‌السلام داشته باشد، نسبت به خود آن‌ها چگونه است و این مصداق کامل تولی یعنی دوستی با دوستان اهل بیت علیهم‌السلام است. باید توجه داشت که بیان این نکات از آن روست که باید از روش و منش استاد شهید مرتضی

مطهری یاد خدا، انس با قرآن کریم، شب زنده داری، درس زندگی، ادب و آداب، توجه به فرزند و همسر را آموخت و الگوپذیری داشت.

۶. مطهری الگوی مبارزات

بخشی از دوران زندگی استاد شهید مرتضی مطهری با مبارزات مردم ایران علیه حکومت ستم شاهی همزمان بود و ایشان به عنوان فردی آگاه و با بصیرت در میان مردم حضور داشت و نقش رابط بین رهبری انقلاب و مردم را ایفا می‌کرد. ایشان در این مجال به حق الگوی مناسب برای همه مبارزان و انقلابیون بود؛ چراکه در مسیر مبارزه به عنوان یک انسان اعتدال‌گرا نه به گونه‌ای بود که از انقلاب به دور بماند و نه این‌که فعالیت‌های عادی و روزمره علمی و تربیتی خویش را کنار بگذارد و به زد و خورد خیابانی بپردازد. در این زمینه به چند مطلب اشاره می‌شود:

۶-۱. نمایندگی امام در هیأت‌های مؤتلفه در دوران مبارزه

بعد از قضایای پانزده خرداد و آزادی امام خمینی رحمته‌الله علیه، استاد مطهری و سایر علما، هیأت‌های مؤتلفه اسلامی که هسته آن‌ها همین هیأت‌های مذهبی بود و از نیروهای مخلص و فداکار و تابع ولی فقیه تشکیل شده بود، برای یاری نهضت امام خمینی رحمته‌الله علیه ظهور کرد. این گروه‌ها از امام درخواست چند نماینده کردند که تحت هدایت آن‌ها در فکر و عمل باشند. استاد مطهری که از قبل با این هیأت‌ها مرتبط بودند به عنوان یکی از آن نمایندگان از سوی حضرت امام معرفی شدند. تأکید استاد مطهری بر این بود که این هیأت‌ها از نظر فکری و آشنایی با معارف اسلامی ساخته شوند و به همین جهت درس‌هایی را برای آن‌ها دایر کردند که از جمله این دروس، بحث درباره سرنوشت و قضا و قدر است که بعدها به صورت کتاب انسان و سرنوشت منتشر شد. این بحث در واقع حلقه‌ای از حلقات بحث‌هایی از علل انحطاط مسلمین بود که استاد آن را لازمه‌ی اصلاحات در جامعه اسلامی می‌دانست (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۶۲). شهید مطهری در این نمود الگویی به منزله فقیه و دانشمندی است که وظیفه انداز جامعه را دارد که قرآن کریم در این باره فرموده است: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ

مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ ﴿توبه: ۱۲۲﴾؛ چرا از هر گروهی طائفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کند تا در دین [و معارف و احکام اسلام] آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آن‌ها را انداز نمایند.

۲-۶. اعتماد امام راحل به مطهری

وجود شخصیت‌های اسلامی مورد اعتماد مردم در بسیاری از نقاط کشور از عوامل مهم و مؤثر در پیشرفت انقلاب اسلامی بود. این چهره‌های محبوب، متعهد، صاحب نظر و مخلص برای جلب اعتماد و ایمان مردم به انقلاب نقش عمده‌ای ایفا کردند. شهید مطهری هنگام شروع مبارزه، از این نظر نقش و اثر ممتازی داشت. امام خمینی رحمته‌الله علیه رهبر انقلاب به ایشان اعتماد زیادی داشت و استاد مطهری را ثمره‌ی عمر خود می‌دانست؛ به همین دلیل مسؤولیت‌های عمده‌ای را به ایشان محول می‌کرد. روحانیت و مراجع دیگر هم با اعتماد کاملی که به صلاحیت علمی و عملی شهید مطهری داشتند از مسؤولیت‌پذیری ایشان راضی و خشنود بودند. قشر تحصیل‌کرده و دانشگاهیان مبارز هم در وجود او، اسلام‌شناسی متعهد و قابل اعتماد می‌دیدند. توده مردم آشنا با ایشان به خصوص بازاریان مسلمان که سهم شایان توجهی در پیشبرد انقلاب داشتند، ایشان را از هر جهت شایسته و لایق می‌دانستند (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۱۶).

شهید مطهری در حقیقت همانند اصحاب مورد اعتماد ائمه معصومین علیهم‌السلام بود که آن حضرات را برای مناظره و جلسات یاری می‌کردند؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام حُمران بن أعین شیبانی را برای مباحث قرآنی، أبان بن تغلب را برای عربی، زراره بن أعین را برای مباحث فقهی، مؤمن طاق را برای علم کلام، هشام بن سالم را برای اباحت توحید، هشام بن حَکَم را برای مباحث امامت و ابوعمر و حمزه را برای قرائت قرآن کریم معین کردند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۴۷، ص ۴۰۷).

۳-۶. مسؤولیت تشکیل شورای انقلاب

از جمله فعالیت‌های انقلابی استاد شهید مرتضی مطهری قبل از پیروزی انقلاب تشکیل شورای انقلاب به امر امام خمینی رحمته‌الله علیه بود. ایشان پس از سفر به پاریس در زمان حضور امام در

نوفل لوشاتو پاریس و ملاقات با ایشان پیشنهاد تشکیل شورای انقلاب را دادند و این پیشنهاد مورد قبول امام قرار گرفت. سپس شورای انقلاب با عضویت چند تن از جمله آیت الله دکتر بهشتی تشکیل شد (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۲).

بدون تردید واگذاری چنین اموری باید به دست افراد ماهر، خبیره و آگاه به زمان صورت گیرد، در غیر این صورت به زیان جبران ناپذیر منتهی خواهد شد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۷)؛ کسی که زمان شناس باشد مشکلات بر وی هجوم نخواهد آورد».

۴-۶. مطهری و یاران انقلاب

همسر شهید مطهری نقل می‌کند که آقایان مهدوی کنی، شهید باهنر، شهید مفتاح، امامی کاشانی، شهید بهشتی و آیت الله خامنه‌ای که از محترمین و دوستان و همکارانشان بودند، در لحظات حساس و حوادث مهم پیش از انقلاب و بعد از انقلاب در کنار او و در ارتباط دائم بودند (جمعی از فضلا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۱۳). این افراد و به خصوص شهید مطهری مصداقی از این آیه شریفه هستند که می‌فرماید: «الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا» (حشر: ۱۰)؛ کسانی که بعد از آن‌ها آمدند و می‌گویند پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده. به گفته بعضی مفسران، این آیه گرچه درباره مهاجرین، انصار و تابعین نازل شده است، اما دلیلی بر محدودیت آن وجود ندارد، بلکه تمام مسلمین را تا قیامت شامل می‌شود، از سوی دیگر از نظر ملاک و معیار و نتیجه نیز عمومیت دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۵۲۲).

۵-۶. کمک به مردم مظلوم فلسطین

بین سال‌های مبارزات انقلابی مردم ایران که سخن‌گفتن از فلسطین به دلیل مخالفت امام علیه السلام با روابط دولت ایران با رژیم اسرائیل جرم محسوب می‌شد، استاد شهید مرتضی مطهری با کمک علامه طباطبایی و برخی دیگر از علما اقدام به افتتاح حساب مخصوص در

بعضی بانک‌های ایران کردند تا مردم کمک‌های خود را به آن واریز کنند. این مسأله در اسناد ساواک به عنوان فعالیت سیاسی و مخالفت با توصیه‌های ساواک درج شده است (خسروشاهی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲، ۱۴۹ و ۱۵۶). این عملکرد شهید مطهری مصداق احساس مسؤولیت‌پذیری ایشان نسبت به مظلومان است، چنان‌که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۶، ص ۱۳۱)؛ هرکسی کوشش نداشته باشد که خدمت به مردم مسلمان کند، مسلمان نخواهد بود».

۶-۶. تغذیه‌کننده فکر و اندیشه انقلاب

هم‌زمان شهید مطهری درباره نقش این مبارز و الگوی انقلابی در پیشبرد اهداف انقلاب آورده‌اند:

«نقش مطهری در تلاش‌های سازنده [دوران مبارزه] قابل توجه و تقدیر است، ایشان تغذیه ایدئولوژیک نهضت سازنده را از طریق خطابه‌ها و مقالات فلسفی و اجتماعی و مناظره‌ها بیش از هرکس به عهده داشت. جواب‌گوی شبهات و سمپاشی‌های فکری فراوانی بود که از سوی عمال شرق و غرب برای انحراف نسل جوان مسلمان از طریق رسانه‌های جمعی با خواست رژیم کودتا [کودتای ۲۸ مرداد] پخش می‌شد. در عین حال به دلیل حضور در دانشگاه و مدارس علوم دینی پلی بود میان دو قشری که سال‌ها با توطئه‌های شرق و غرب از هم جدا نگداشته شده بود» (جمعی از فضلا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۱).

بر اساس آموزه‌های ثقلین، پرسش حق افراد و پاسخگویی وظیفه دانشمندان است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳)؛ اگر نمی‌دانید از اهل اطلاع سؤال کنید. در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَالْمُسْتَكَلِمِ وَالْمُسْتَمِعِ وَالْمُحِبِّ لَهُمْ» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۴)؛ علم خزاینی است که کلیدش پرسش است، پس بپرسید، چون خداوند چهار [گروه] را اجر می‌دهد: پرسشگر، پاسخگو، شنونده و دوست دار آنان. با توجه به این حدیث، شهید مطهری نماد دانشمند پاسخگو به جامعه پرسشگر است.

۶-۷. شهادت شهید ضامن بقای انقلاب

شهید مطهری از پیشگامان و پیشقراولان صحنه جهاد قلمی و قدمی بود که با مرکب خون و با دستان قلم شده بر صحیفه انقلاب، حق و حقیقت را نگاشت و به دیگر سخن، مانند شمع سوخت و راه انقلاب را روشن کرد، بدین جهت است که امام راحل فرمودند:

«با ترور شخصیت‌های بزرگ ما، اسلام تایید می‌شود، نهضت ما زنده می‌شود و تمام اقشار ایران باز زندگی را از سر گرفت، اگر یک سستی یا ضعفی پیدا کرده بود، زنده شد. اگر نبود شهادت این مرد بزرگ و اگر مرده بود در بستر خودش، این تایید نمی‌شد، این موج بر نمی‌خواست» (موسوی خمینی رحمته‌الله علیه، بی تا، ج ۶، ص ۶۳).

این بدان جهت است که این شخصیت ارزشمند هدفی جز خدا نداشت و تمام هم و غمش خدمت به اسلام و نشر علم و معارف دینی بود و ایشان بدون جرم و گناه شهید شد؛ مصداق این آیه شریفه که می‌فرماید: «وَإِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر: ۸ و ۹)؛ به کدامین گناه کشته شدند. این جا است که امام راحل فرمودند:

«من قریب بیست سال این مرد را می‌شناسم، یک آدم به آن سالمی، یک آدم به آن ادب، به آن انسانیت، این را محکوم به قتلش می‌کنند، چرا؟ چه کرده آقای مطهری؟ کی را کشته بود؟ این انسان فیلسوف، عالم و فقیه، این بشر نیست؟ این بشر را این طور می‌کشند، بدون اینکه جرم داشته باشد» (موسوی خمینی رحمته‌الله علیه، بی تا، ج ۱۸، ص ۱۷۶).

البته استاد مطهری آماده شهادت بود، آن جا که خود گفته بود: «هر وقت خدا بخواهد ما را می‌برد، حالا اگر از طریق شهادت باشد، خیلی بهتر است» و ایشان حتی پیش بینی شهادتشان را کرده بود و می‌گفت: «من می‌دانم پس از قرنی نوبت من است» (جمعی از فضلا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۴۴). جالب توجه این جاست که ایشان به دلیل خوابی که سه شب قبل از شهادت دیده بود، می‌دانست که حادثه مهمی رخ خواهد داد. تعبیر این خواب زیبا که برای همسرشان تعریف نمودند (جمعی از فضلا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۱۶)، همان رؤیای صادقه و شهادت ایشان بود که چند روز پس از آن روی داد و این شهید بزرگوار به ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله و لقای حضرت حق شتافت.

۷. مطهری الگوی تحقیق و پژوهش

همان‌گونه که پیش از این نیز اشارت شد در میدان مسابقه بین خون شهید و جوهر قلم عالم بنا به فرموده امام صادق علیه السلام، جوهر قلم علما سنگین‌تر و برتر از خون شهدا است (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۹۹). شهید مطهری گرچه هر دو ارزش را در خود جمع کرد و فراتر از هر دو قرار گرفت، اما از زاویه نگاشتن کتب سرآمد عام و خاص شد. ایشان جامع منقول و معقول و در بسیاری از مسائل صاحب نظر بود. در مهم‌ترین موضوعات کلی و جزئی اسلام از فلسفه و عقاید گرفته تا اخلاق و عرفان، از داستان گرفته تا تفسیر قرآن، از سیره و تاریخ گرفته تا تعلیم و تربیت و غیره با قلم و بیان شیوای خود وارد میدان می‌شد و دیدگاه‌های او معرف اسلام اصیل و مبتنی بنیان‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی آن بود. امام خمینی رحمته الله علیه نسبت به آثار انسان‌ساز و سودمند این شهید، اینچنین فرمود:

«اکنون شنیده می‌شود که مخالفین اسلام و گروه‌های ضد انقلاب در صدد هستند که با تبلیغات اسلام شکن خود، دست جوانان عزیز دانشگاه‌ها را از استفاده از کتب این استاد فقید کوتاه کنند. من به دانشجویان و طبقه روشنفکر متعهد توصیه می‌کنم که کتاب‌های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه‌های غیر اسلامی فراموش شود» (موسوی خمینی (۵)، بی تا، ج ۱۲، ص ۵۱).

باید توجه داشت که این شهید مطهر که در حقیقت مطهر اندیشه‌ها بود و آثار ایشان به مثابه سنگ محک برای تشخیص سره از ناسره، نگاهی از ثغور اخلاقی، مرزبانی حدود الهی و پاسداری از عقاید و ایده‌های ناب اسلام است. موضوعات و آثار نگاشته توسط ایشان به شرح زیر است:

۱. عقاید: توحید، عدل الهی، نبوت، خاتمیت، ختم نبوت، پیامبر اُمّی، امامت و رهبری، ولاء‌ها و ولایت‌ها، امدادهای غیبی، مقدمه‌ای بر جهان بینی، انسان کامل، انسان و سرنوشت، فطرت، نقدی بر مارکسیسم، علل گرایش به مادی‌گری و ...

۲. مباحث قرآنی: آشنایی با قرآن، تفسیر سوره‌های حمد، نور، زخرف، دخان، جاثیه، فتح، قمر، رحمان، واقعه، حدید، حشر، ممتحنه، صف، جمعه، طلاق، تحریم، ملک، قلم و ...

۳. فقه: مسأله ربا، بیمه و بانک داری.

۴. فلسفه: شرح اصول فلسفه و روش رئالیسم، حرکت و زمان در فلسفه، شرح الهیات شفا،

شرح منظومه، فلسفه تاریخ، فلسفه اخلاق، مقالات فلسفی و

۵. تاریخ: بررسی نهضت‌های صد ساله اخیر، خدمات متقابل اسلام و ایران، دافعه و جاذبه علی، حماسه حسینی، و

۶. سیره: سیری در سیره نبوی، سیری در نهج البلاغه، سیری در سیره ائمه علیهم‌السلام، قیام و انقلاب مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌القریب، داستان راستان و

۷. علوم اسلامی: یک دوره از علوم اسلامی شامل اصول فقه، فقه، منطق، فلسفه، عرفان و حکمت.

۸. موضوعات گوناگون: مسأله حجاب، نظام حقوق زن، اسلام و مقتضیات زمان، اخلاق جنسی و جهان غرب، تماشاگه راز، ده‌گفتار، بیست‌گفتار و ... (ر.ک. فاکر میدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۸).

در پایان یادآور می‌شود از آن جا که آثار شهید مطهری نقش مهمی در جلوگیری از انحراف جامعه داشت و مانعی بر سر راه دشمنان عقیدتی و فکری جامعه بود، دشمن تلاش می‌کرد همان‌گونه که شخص مرتضی مطهری را ترور فیزیکی کرده بود، شخصیت علمی وی را نیز با تبلیغات مسموم خود ترور کند و آثار گرانقدرش را مخدوش سازد و در نهایت ارشادات، رهنمون‌ها و افکارش را بی‌ارزش کند. از این رو بر همه دلسوزان اسلام ناب محمدی لازم است که جلوی این توطئه را بگیرند و این شاگرد راستین مکتب اسلام و آثار نفیسش را از صورت فردی و شخصی خارج کرده و مانند یک خط و جریان فکری ممتاز مطرح کنند تا معیاری باشد برای تشخیص حق از باطل و ملاک جدایی صراط مستقیم اسلامی و انقلاب اسلامی از جریان‌های اسلام‌نما و انقلابی‌نما، همچنین معیار اطمینان بخشی باشد برای خنثی کردن اندیشه‌های منافقانه و دسیسه‌های خائنانه دشمنان که قصد دارند با القای افکار غیر اسلامی، نسل جوان ما را از اسلام حقیقی منحرف کنند.

همچنین توجه به این نکته ضروری است که شهید مطهری با آن‌که یک فیلسوف، متکلم، عارف و مجتهد بزرگ بود، هیچ مانعی سر راه خویش نمی‌دید تا برای نوجوان و جوان کتاب داستانی را بنویسد. در واقع ایشان معتقد بود که تربیت نسل جوان بسیار اهمیت دارد و برای تاثیر بیش‌تر بر آنان از زبان داستان کمک گرفت. اگر کسی بخواهد مطالعه روشمند آثار استاد مطهری را دنبال کند، می‌بایست از آثار ساده و آسان شروع کند و پس از آن به مراحل بعدی که تا حدی دشوار است رجوع کند تا اثرگذاری بهتری داشته باشد.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نوع یادگیری انسان، یادگیری مشاهده‌ای است. از این رو یکی از روش‌های تربیت، تربیت به وسیله الگو است که از آن با عنوان «روش الگویی» یاد شده است. این روش در سرتاسر زندگی و ابعاد مختلف آن کاربرد دارد و از آنجا که محتوای تربیت را به صورت عینی و عملی ارائه می‌دهد، در انتقال مفاهیم و آموزش برنامه‌های تربیتی بسیار مؤثر است. در منابع اسلامی، بر بهره‌گیری از الگو و پیروی از آسوه حسنه تأکید شده است. جامعه کنونی ما و بویژه جوانان نیازمند شناخت الگویی مناسبند؛ چراکه در دوره جوانی که مهمترین دوره تکوین شخصیت افراد است، رشد کمالات انسانی از سرعت فزاینده‌تری برخوردار است و در این دوره، فرد در آستانه ورود به جامعه است و همواره تلاش می‌کند که شخصیت خود را به گونه‌ای پی‌ریزی کند که سریع‌تر و بیش‌تر از دیگران مورد توجه هم‌نوعان و حتی سایر اقشار جامعه قرار گیرد و بیش از سایر افراد به فضایل و صفاتی که مورد توجه است، آراسته باشد. جوانان معمولاً برای نیل به این هدف به دنبال ابزارها و شیوه‌های مؤثری می‌گردند که یکی از مهم‌ترین اموری که در این راستا برای جوانان مفید واقع می‌شود، وجود یک سرمشق و الگوست که مراحل از کمالات را با موفقیت پیموده باشد و از مقبولیت در نزد مردم نیز برخوردار باشد. یکی از شخصیت‌های معاصر که می‌تواند الگویی موفق برای نسل حاضر حوزوی و دانشگاهی باشد؛ استاد شهید مرتضی مطهری است. شخصیتی که افزون بر دانش فراوان، مسلح به سلاح ایمان، زینده به فضایل اخلاقی و مجهز به برهان و منطق بود و در کنار روشنفکری، پایبند به آموزه‌های قرآن و عترت و در عین بلندمرتبه‌گی علمی، در نهایت خضوع و فروتنی در برابر دیگران و نمونه تمام عیار یک انسان مطلوب و منطبق با آموزه‌های قرآنی و روایی بود. سیری در آثار علمی و عملی شهید مطهری و سخنان یاران، همسنگران و بستگان وی نشان می‌دهد که آیت الله شهید مطهری با جامعیتی که در علم و عمل داشت به حق الگوی مناسب برای نسل حاضر و آینده در ابعاد مختلف علمی و عملی‌اند و هرکس در هر موقعیت شغلی که باشد می‌تواند از ایشان در تعلیم و تدریس، سبک زندگی، اخلاق و تربیت و منش و روش درس گیرد. همچنین روشن است که این استاد بزرگ یک مبارز سیاسی، فقیه فیلسوف، عارف کامل، مونس قرآن، نویسنده موفق و توانا و انسان ژرف‌اندیش و دورنگر است که می‌تواند برای خواستاران این معارف و ارزش‌ها نیز الگوی نکو باشند.

فهرست منابع

• قرآن کریم

• نهج البلاغه

الف. کتب فارسی

۱. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی-فرانسو-فارسی)، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، ۱۳۷۵.
۲. جمشیدی، مهدی، بنیادهای اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی در نظریه علامه مرتضی مطهری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
۳. جمعی از فضلا، سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۶۷.
۴. جمعی از فضلا، سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۶۷.
۵. حکیمی، محمدرضا؛ محمد و علی، الحیاه، قم: دلیل ما، ۱۳۹۳.
۶. حسینی نسب، داود، فرهنگ تعلیم و تربیت (واژه ها، تعاریف و اطلاعات)، تبریز: احرار، ۱۳۷۵.
۷. خسروشاهی، هادی، درباره علامه سید محمد حسین طباطبایی، قم: کلبه شروق، ۱۳۹۱.
۸. دوگانه، ناصر، مسطر، با همکاری مهدی علمی دانشور و کاظم میرزایی و مهدی یزدی و محمد صالح کریمی، قم: معاونت تربیتی جامعه المصطفی (ص) العالمیه، ۱۳۹۱.
۹. ساروخانی، باقر، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان، ۱۳۷۵.
۱۰. عاشوری، ناد علی، زندگی نامه شهید مطهری، قم: انتشارات امام عصر (عج)، ۱۳۹۰.
۱۱. فاخر میبدی، محمد، «مقاله آیه مطهر در آینه مطهر»، مجله حضور، شماره ۳۵، ۱۳۸۴.
۱۲. مطهری، مرتضی، سیری در زندگانی استاد مطهری، با مقدمه علی اکبر هاشمی رفسنجانی، چاپ هفدهم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۹۲.
۱۳. _____، علل گرایش به مادپرستی، بی جا، بی تا.
۱۴. _____، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، چاپ ۳۲، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۸۶.
۱۵. _____، پاره ای از خورشید: گفته ها و ناگفته ها از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، تهران: مرکز نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۸۸.
۱۶. _____، احیای تفکر اسلامی، تهران: صدرا، ۱۳۹۷.
۱۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی متوسط، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، تحقیق محمد فقیهی رضایی و همکاران، چاپ سیزدهم، تهران: اسوه، ۱۳۹۶.
۱۹. _____، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.

۲۰. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام علیه السلام، چاپ چهارم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸.

ب. کتب عربی

۱. ابن ابی جمهور، محمد، ۱۴۰۵، *عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیہ*، تصحیح مؤسسه آل البيت علیہم السلام، مشهد: مؤسسه آل البيت علیہم السلام، ۱۴۰۵ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی*، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۳. _____، ۱۳۶۶، *علل الشرائع*، ترجمه هدایت الله مسترحمی، چاپ ششم، تهران: کتاب فروشی مصطفوی، ۱۳۶۶.
۴. _____، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ق.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، بی تا.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه*، تصحیح مؤسسه آل البيت علیہم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیہم السلام، ۱۴۰۹ق.
۸. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید رضوان الله علیه*، تحقیق حسن موسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۹. علی بن موسی الرضا المرتضی علیه السلام، *الفقہ المنسوب الی الإمام الرضا علیه السلام*، تصحیح مؤسسه آل البيت علیہم السلام، مشهد: مؤسسه آل البيت علیہم السلام، ۱۴۰۶ق.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام*، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

ج. کتب انگلیسی

1. Cambridge advanced learners dictionary, Cambridge university press, third Edision, 2010.